



۱۵

## ۷ جادوی لینکدین در برندسازی کسب و کارها

## ۶ گیاه زیبایی که بهتر است در خانه نباشند

۱۴

## جوامع کوهستانی در راه صعود به قله های گردشگری

# زندگی

شنبه ۵۴ دی ۱۴۰۰ شماره ۶۱۱۳



۱۶

# جایزه

درنگ

### سلامتی برای همه عیدها

📌 لوریس چکناواریان از آن آدم‌های امیدبخش جامعه است؛ از آن کسانی که هیچ چیز حتی کرونا هم نتوانسته

او را از سر شوق و امید به زندگی بیندازد. برای همین هم در آستانه سال نوی میلادی، با او هم‌کلام شدیم و از سالی که گذشت پرسیدیم: «در تمام این یکی دو سالی که گذشت، من در خانه ماندم و خیلی با محیط خارج از خانه ارتباطی نداشتم؛ در همین مدت، همه کارهای عقب افتاده‌ام را به سرانجام رساندم. نوشتم، آهنگ ساختم و همه فعالیت‌های مربوط به ارکستر و اپرا را انجام دادم. از آن مهم‌تر هم این‌که خدا را شکر از شر کرونا در امان ماندم.»

اما لوریس چکناواریان، با وجود قرنطینه‌ای که به قول خودش، از آن بهترین استفاده را کرده، ارتباطات اجتماعی‌اش را از دست نداده است؛ موضوعی که آن را اصل مهمی در کیفیت زندگی اجتماعی‌اش می‌داند؛ «با این‌که بیشتر در خانه بودم و مهمانی نرفتم اما ارتباطات تلفنی‌ام را با همه ادامه دادم؛ حتی ارتباطاتی که در محیط جدیدی مثل پارک و فضای آزاد، آن را تجربه کردم.»



در این میان، این‌طور که معلوم است، لوریس چکناواریان این روزها خیلی دغدغه سال جدید میلادی را ندارد؛ چراکه وقتی از آرزوهایش برای سال جدید پرسیدیم، او با قاطعیت معتقد بود که سال جدید ما از نوروز آغاز می‌شود؛ «البته آرزو کردن در هر وقت

و زمان، ایرادی ندارد؛ برای همین هم من آرزو می‌کنم در روزهای پیش‌رو، از آسمان، همراه با باران، سلامتی و پول و شکلات بر سر مردم بریزد؛ آن‌قدر که در کنار سلامتی، جیب‌شان پر باشد و کام‌شان هم شیرین. خیلی خوشحالم‌کم می‌توانم زمستانی دیگر را تجربه کنم؛ چراکه در این سن احساس سرزندگی و نشاط دارم و با تمام وجود می‌خواهم به زندگی ادامه دهم. امیدوارم روزهای پیش‌رو، پر باشد از هنر و موسیقی و همه ما بتوانیم در تمامی عرصه‌های فرهنگی مثل سینما، تئاتر، موسیقی و ... به صورت رو در رو با مخاطبان‌مان ارتباط داشته باشیم فعالیت کنیم.»

آرزوهایی که امیدوار است تا رسیدن عید ملی نوروز، عملی شود و مردم بتوانند در اوضاعی مرتب و آرام، نوروز را جشن بگیرند؛ «اما همین که سلامتی، خودش جشن گرفتن دارد؛ برای همین هم امیدوارم که در روزها و ماه‌های پیش‌رو، همه سلامت باشند و بتوانند کار کنند؛ چه کسی است که بتواند منکر شود که سلامتی، مهم‌ترین اصل در زندگی است؟»

چکناواریان معتقد است وقتی آرزوی خوبی داریم باید برای تمام مردم جهان باشد، این‌طور نیست که صرفاً برای خودم آرزوی سلامتی کنم، من همیشه دوست دارم که تمام مردم جهان و مخصوصاً ایران در آرامش و به دور از هرگونه بیماری زندگی کنند. 📌

حال و هوای خرید و آماده شدن برای سال جدید در محله‌های ارامنه شهر چرمان دارد؛ عکس: پرنیا



در روز تولد حضرت مسیح (ع) و در آستانه سال نوی میلادی  
با برخی از هموطنان مسیحی مان هم‌کلام شدیم

## صد سال به از این سال‌ها

📌 آخرین جشن کریسمس و سال نویی که بدون کرونا گذرانده‌اند، سال ۲۰۲۰ بوده است؛ سالی که هیچ‌کس نمی‌دانست یک ماه بعد از آن، قرار است دنیا با چه بحران عجیبی روبه‌رو شود. اما امروز و بعد از گذشت تقریباً دو سال از این اتفاق عجیب و سخت، همه چیز کمی آرام‌تر شده است. هموطنان ارامنه نیز مانند سایر شهروندان با شرایط فعلی خو گرفته‌اند. به همین دلیل شور و شوق بیشتری نسبت به سال گذشته برای آغاز سال جدید دارند؛ این را از هیاهوی خیابان‌ها و محله‌های ارمنی‌نشین می‌شود فهمید. اما گذر از آخرین روزهای سال ۲۰۲۱ و آماده شدن هموطنان مسیحی برای سال جدید، بهانه‌ای بود تا با برخی از آنها درباره اوضاع و احوال‌شان در سالی که گذشت و دغدغه‌هایشان در سال جدید پیش‌رویشان حرف بزنیم.



نرگس خاغل‌زاده  
جامعه

تابلوی مغازه خیلی قدیمی است؛ آن‌قدر که تقریباً رنگی به رو ندارد و به سختی می‌توان عنوان «کارت عروسی امیل» را روی آن خواند اما هرچقدر تابلو بی‌رنگ و لعاب است، داخل این مغازه قدیمی، رنگ‌های قرمز و سبز و سفید است که به چشم می‌خورد؛ همه چیز هم با هم ترکیب شده است. از قرمزی‌های کریسمس که کنار سفیدی برف و ریش‌های سفید کرده بایان‌نول قرار گرفته‌اند تا آن قرمزهایی که با سبزی هندوانه ترکیب شده‌اند اما چیزی که بیشتر از همه این حال‌وهوا را دلنشین کرده است، زوج خانم و آقای آودیان هستند که در کنار هم این مغازه قدیمی اما باصفا را می‌گردانند. البته خانم آودیان امروز و برای کمک به همسرش به مغازه آمده است؛ این را وقتی فهمیدیم که برای قیمت شمع‌های کوچک قرمز رنگی که مشتری می‌انسان‌ش درخواست کرده بود، به همسرش زنگ زد و قیمتش را پرسید؛ «نزدیک سال نو، اینجا کمی شلوغ می‌شود؛ برای همین من می‌آیم تا کمک‌حال همسرم باشم.» هنوز جمله‌اش را تمام نکرده است که خانم میانسال داخل مغازه، عبارت سال نوی او را بهانه می‌کند و با حسرت می‌گوید: «شما خیلی عید خوبی دارید!» اما پاسخ خانم آودیان با آن لیخند آرامی که به پشت ماسک پنهان شده بود ولی به‌وضوح در چشم‌هایش دیده می‌شد، چیزی بود که شاید انتظارش را نداشته‌ایم؛ «همه عیدها خوب است؛ مگر عید بد هم داریم؟ همین که سلامتی‌م، یعنی امروز هم عید است،» جمله‌ای که آن‌قدر منطقی و دلنشین بود که دیگر کسی نتوانست آن را رد کند و اما و آگری برایش بیاورد. همزمان با بیرون رفتن مشتری از مغازه، آقای آودیان وارد مغازه شد؛ «همین قرمزی‌ها، دلخوشی این زندگی هستند دیگر؛ این‌طور که معلوم است، آقای آودیان، برخلاف چهره جدی و شاید سرخشت، کلام دلنشینی دارد.

### جوابیه

در پی درج پیامی در روز شنبه مورخ ۱۳/۰۹/۱۴۰۰ با عنوان «مترو-تهویه» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه با ارسال نامبری اعلام کرد: بازدید از سامانه‌های رفاهی مسافران در قطارها به صورت مستمر در بخش نگهداری و تعمیرات ناوگان در حال انجام است، ضمن این‌که برای رفاه بیشتر مسافران سیستم تهویه قطارها طی چند مرحله طی روز کنترل می‌شوند. در خصوص شیوه خدمات‌رسانی به مسافران گرمی، این شرکت افتخار می‌کند در این شرایط کمبود واگن با تمام امکانات موجود و توان اجرایی خود برای افزایش خدمات جابه‌جایی و افزایش رضایت‌مندی مسافران می‌کوشد و موجب خشنودی این عزیزان می‌شود.

### حال خوبی برای همه

حرف‌هایمان از آماده شدن برای سال جدید، به زوریک می‌رسد؛ زوریک مرادیان که اولین شهید مسیحی در جنگ ایران و عراق بوده است؛ «همین چندتا کوچه پایین‌تر، کوچه‌ای به نام زوریک است؛ کوچه شهید زوریک مرادیان. تا همین چند سال پیش هم مادرش در همین کوچه زندگی

که پیش از این، بارها حسن نیتش به من ثابت شده بود، پیشنهاد این کار را داد و اتفاقاً در آن روزها، چقدر به چنین تصمیمی نیاز داشتم.» اولش قرار به حمایت از یک بچه بود اما اوضاع آن‌قدر چرخید که حالا تعدادشان به ۲۰ تا رسیده است؛ «همین تعداد هم دلم می‌خواهد بیشتر شود. کاش بتوانم و در توانم باشد که بچه‌های بیشتری، زندگی بهتری نسبت به قبل را تجربه کنند.» می‌گوید آن‌قدر تعداد این بچه‌ها در کل کشور زیاد است که این تعداد اصلاً به چشم نمی‌آید.

### بهانه‌ای برای شادی

آنها تا به حال همدیگر را ندیده‌اند، نه آقای آوانسیان بچه‌هایش را دیده است و نه این ۲۰ نفر می‌دانند که چهره کسی که در طول این یک‌سال، همیشه هوشش به آنها بوده است چه شکلی است؛ چیزی شبیه به قصه‌ها، اما، آقای آوانسیان می‌خواهد قصه این ندیدن‌ها را برای عید نوروز خاتمه بدهد و با دست پر از کادو و هدیه، این بار شخصاً به دیدن‌شان برود؛ «کریسمس و سال نوی میلادی احتمالاً برای آنها خیلی معنا و مفهومی ندارد، برای همین هم تأکید نوروز صبر می‌کنم.» خوبی‌اش این است که رافی آوانسیان، در بین همه بساز و بفروش‌هایش در اوضاع اقتصادی این روزهای کشور، حواسش به همه چیز هست، آن‌قدر که این بچه‌ها، تولد‌های امسال‌شان را هم رنگی‌تر از سال‌های قبل گذرانده‌اند؛ «سعی می‌کنم جواسم به تولد‌هایشان باشد و علاوه بر اریز میلی، اضافه، هدایای ناقابل هم برایشان بخرم. این روند را وقت بازگشایی مدارس و برای خرید لوازم درسی و تحصیلی هم به خودم یادآوری می‌کنم.» حالا هم در آستانه سال نوی میلادی، آرزو دارد که همه چیز درست‌تر شود؛ آرزویی که کمی با صادی آرام بیانش می‌کند اما معلوم است که همچنان امید دارد: «کاش همه چیز خیلی زود بهتر از چیزی که هست بشود، حداقل برای این بچه‌ها.»

### سالی که سخت گذشت

دکتر سواک حاتمیان یکی از پزشکان ارامنه کشور است، متخصص بیهوشی و فوق تخصص مراقبت‌های ویژه (آی‌سی‌یو) که به دلیل همین تخصصش، روزها و شب‌های زیادی را با بیماران کرونایی و بستری در آی‌سی‌یو گذرانده است. بیماران که ابتلایشان در آخرین پیک کرونا و کشیدن کارشان به بخش مراقبت‌های ویژه، یادآوری لحظات سخت و تلخ سال گذشته برای اوست؛ «ما در بیمارستان شهید مدنی کرج، مرکزی برای رسیدگی به بیماران تصادفی داریم اما در آن روزها، آن‌قدر اوضاع نابسمان بود که چیزی حدود ۱۰۰ تخت از بیمارستان را به بیماران کرونایی اختصاص دادیم.» دیدن جوان‌هایی بدون هیچ بیماری زمینه‌ای با حال بد و در بخش مراقبت‌های ویژه، از تلخ‌ترین



### آسانی بعد از سختی

روزهای اوج شیوع کرونا را به یاد می‌آورید؛ روزهایی که پروتکل‌های بهداشتی را بیش از هر وقت دیگری رعایت و از آدم‌ها بیشتر از همیشه دوری می‌کردیم. حالا وضعیت کادر درمانی را تصور کنید که در بخش بیماران کرونایی رفت و آمد دارند و احتمال ابتلا، همراه لحظه به لحظه‌شان است؛ این همه آن احوالی است که دکتر حاتمیان و همکارانش در روزها و ماه‌های گذشته گذرانده‌اند؛ «پوشیدن گان، نداشتن اطمینان به محیط حتی برای خوردن غذا، وسواس نسبت به دست و لباس‌ها و در کنار آن، دیدن غم و اندوه بیماران و همراهان‌شان، جزو تکراری‌ترین خاطره‌های سال گذشته برای ما است.» خاطره‌هایی و واقعی که مدافعان سلامت را به زرمندگان این روزها تبدیل کرده است؛ «گاهی به این فکر می‌کردیم که زمنده‌ها در دوران جنگ، چطور طاقت آوردند و آن روزها را گذرانده‌اند؟ حالا می‌بینیم که ما هم سخت‌ترین روزها را گذرانده و حالا به اینجا رسیده‌ایم.» اما معتقد است که این روزها و با واکسیناسیون گسترده‌ای که انجام شده، وضعیت کشور خیلی خوب شده است؛ آن‌قدر خوب که شاید امسال بتوانند بعد از گذراندن دو سال سخت، کمی در کنار خانواده باشند؛ «رسیدن سال جدید میلادی و تولد حضرت عیسی (ع)، می‌تواند نقطه عطفی برای داشتن امید و بازگشت به زندگی عادی باشد؛ واقعیت این است که این روزها، همه ما به خوشحالی و جشن نیاز داریم.» جشنی که البته طبق آیین و رسوم پیروان مسیحیت، شامل حال نیازمندان و محرومان هم می‌شود؛ «خوبی‌اش این است که در این روزهای نه چندان آسان، بسیاری از گروه‌های کلیسایی، با تهیه میوه، آجیل، لباس برای کودکان و هر آن چیزی که برای برگزاری یک جشن لازم است، به نیازمندان سرکشی می‌کنند.» رسم و رسمومی که انگار در همه ادیان، جایگاهی ویژه دارد و به قول دکتر سواک حاتمیان، چه شبی بهتر از شب‌های عید؟ 📌